ویژه نامه اول ماه مه، روز جهانی کارگر

کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۶، ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

فقر فزاینده خانواده های کارگری

درحالی‌که هزاران نفر از هم‌میهنان بیکارمان در شهرهای مختلف کردستان، در اعتراض به "بسته شدن مرزهای کولبری"، با "پهن کردن سفره خالی" در خیابان‌ها، انزجارشان را از سیاست‌های رژیم را اعلام می‌کنند، وزیر کار ربیعی بار دیگر روز ۲۸ فروردین‌ماه "فقدان مهارت در جامعه" را "چالش پیش‌روی کشور" عنوان کرد و "راه برون‌رفت از فقر" را "مهارت‌آموزی" دانست. به‌عبارت‌دیگر، وزیر کار بیکاری و فقر فزایندهٔ زحمتکشان را نتیجهٔ کمبودهای "مهارتی" مردم جان‌به‌لب رسیده و کارگران و جوانان متخصص بیکار توصیف می‌کند. در صورتی که یک "پژوهشگر مطالعات قومی"، در گفت‌وگو با روزنامهٔ شرق، اول اردیبهشت‌ماه، گسترش کولبری را نتیجهٔ "تقویت" آن از سوی رژیم به‌دلیل ناتوانایی‌اش در "ایجاد شغل" برای مردم مرزنشین کشورمان دانست. سعید جلیلی، عضو شورای امنیت ملی رژیم، در دیدار با دانشجویان بانه و تلاش برای فریب مردم، از آنان خواست که به کسب جواز کولبری "اکتفا" نکنند، زیرا به‌گفتهٔ او "هر جوان کولبر می‌تواند تبدیل به یک صادرکنندهٔ مرزی شود." گفت‌وگوی جلیلی "با

ادامه در صفحه ۳

جمعبندی کوتاهی از مبارزات جنبش کارگری- سندیکایی در سالی که گذشت

جنبش کارگری میهن‌مان ضمن آنکه باید نیرو و امکانات خود را در راه تقویت مبارزه برای تأمین امنیت شغلی، افزایش عادلانهٔ دستمزد و احیای حقوق سندیکایی به‌کار گیرد، ضروری است پیوندهایش با دیگر گردان‌های اجتماعی را بیش‌ازپیش تحکیم کرده و در عرصهٔ مبارزهٔ همگانی با استبداد مذهبی به‌سود تأمین عدالت اجتماعی، حقوق و آزادی‌های دمکراتیک و تضمین استقلال ملی نقش و حضور فعال‌تری داشته باشد.

رشد و گسترش جنبش اعتراضی طبقهٔ کارگر و زحمتکشان میهن‌مان از مهم‌ترین ویژگی‌های صحنه سیاسی کشور در خلال ماه‌های اخیر بوده است. صدها اعتراض، اعتصاب و تجمع در محیط‌های کارگری، به‌شکلی فزاینده، فضای سیاسی میهن ما در یک سال اخیر را متأثر از خود ساخته است، چندان که در صورت ادامهٔ سازمان‌یافتهٔ این اعتراض‌ها، اعتصاب‌ها و تجمع‌ها، بر میزان و ژرفای تأثیر جنبش کارگری در تحول‌های پردامنه سیاسی می‌تواند به‌شدت بیفزاید. گرچه جنبش اعتراضی کنونی کارگران، پس از سال‌های طولانی سرکوب و پیگرد، کماکان از سازمان‌دهی مناسب برخوردار نیست و با این وجود باید بر نقش جنبش کارگری و مبارزات جنبش سندیکایی در تحول‌های کشور اذعان کرد و در راه تقویت آن کوشید.

گسترش جنبش اعتراضی زحمتکشان، و افزایش آگاهی طبقاتی

خیزش دی‌ماه توده‌ها در سال ۹۶، بار دیگر این موضوع کلیدی را به‌ویژه برای مبارزان جنبش کارگری برجسته ساخت که بدون حضور مؤثر، متحد و

ادامه در صفحه ۲

ارزان‌سازی نیروی کار، میزان حداقل دستمزد

ارزان‌سازی نیروی کار در حکم بخشی از برنامه آزادسازی اقتصادی در دستورکار دولت قرار دارد. از زمان اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها، ارزان‌سازی مزد و نیروی کار یکی از آماج‌های اصلی رژیم ولایت فقیه، به‌ویژه برنامه اقتصاد مقاومتی ولی فقیه، بوده است.

در بیش از چهار سال اخیر و مانند دیگر وزیران کار دولت‌های پیشین رژیم در پیش‌بُرد دستورهای ولی‌فقیه، دولت روحانی و مجلس رژیم ولایی، علی ربیعی نیز سیاست‌های "نظام" برای ارزان‌سازی نیروی کار را دقیقاً به‌اجرا گذاشته است. گرچه بعد از امضای موافقت‌نامه برجام، امید رژیم به جذب سرمایه‌های امپریالیستی و پیوند با اقتصاد انحصارهای فراملی برآورده نشده است، اما بااینهمه و به‌رغم اعتراض‌های گستردهٔ مردمی، اواخر سال ۹۶ نیز رژیم کلان‌سرمایه‌داری تجاری ایران و سرمایه‌داری دیوان‌سالار و انگلی- بنا به‌خصلتش و برای تضمین و حمایت از پایگاه‌های طبقاتی‌اش- سیاست‌هایش را برای تحمیل دستمزدی چهار بار زیر خط فقر به کارگران، به‌اجرا گذاشت. مطابق معمول، رهبران تشکل‌های زرد حکومتی در پیشبرد این هدف نقشی مهم داشتند.

بنا بر گزارش خبرگزاری ایسنا، ۳ اردیبهشت‌ماه، و طبق اعلام وزارت کار، "میانگین دستمزد در قیمت تمام‌شدهٔ [تولید] ۵٫۵۶ درصد" بوده است. خبرگزاری ایلنا، ۱۴ فروردین‌ماه، بر اساس برآورد "منابع مختلف و کارشناسان معتبر... درآمد لازم برای تأمین مایحتاج حداقلی یک خانوار شهری ۳٫۵ نفره را از ۳٫۵ تا ۵ میلیون تومان" در ماه

ادامه در صفحه ۳

پیش به‌سوی سازمان‌دهیِ مبارزه منسجم و سراسریِ کارگران و زحمتکشان بر ضدِ ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوبِ حقوق صنفیِ کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راهِ طردِ رژیم ولایت فقیه!

ادامهٔ مصوبه شورای عالی کار...

سازمان‌یافتهٔ طبقهٔ کارگر و زحمتکشان، موفقیت جنبش همگانی مردم بر ضد استبداد مذهبی و رژیم ولایت‌فقیه- در حکم سدهای اصلی در راه تحول ملی و دمکراتیک در میهن ما- بسیار دشوار و درواقع امکان‌ناپذیر خواهد بود. درعین‌حال، تجربهٔ مبارزه توده‌ها در سال‌های اخیر، به‌ویژه دورهٔ پساخیزش دی‌ماه ۹۶، این نکتهٔ پراهمیت را نیز آشکارتر از پیش ساخت که مجموع اعتراض‌های کارگری- با وجود پراکندگی و ضعف‌های اساسی‌اش- در پیدایش خیزش‌های مردمی نقشی چشمگیر داشته است. نباید این واقعیت را نادیده گرفت که اعتصاب‌ها و اعتراض‌های هزاران کارگر جان‌به‌لب رسیده در سراسر کشور در پیدایش اعتراض‌ها و سپس انفجار خشم توده‌ای، مستقیم و غیرمستقیم، نقش داشته است. در برخی استان‌ها نظیر خوزستان، اصفهان، استان مرکزی، و بوشهر، به‌دلیل وجود مراکز صنعتی- تولیدی فعال در پاره‌ای از شهرهای اصلی این استان‌ها و، درنتیجه، برخوردار بودن از ترکیب و بافت جمعیتی‌ای بادوام‌تر کارگری، دامنهٔ اعتراض‌های دی‌ماه ۹۶ در آن‌ها بسی گسترده‌تر بود. تجمع‌های کارگری در اعتراض به دستمزدهای معوقه و نابودی امنیت شغلی در شهرهای این استان‌ها در روند پیدایی این خروش‌های توده‌ای مؤثر بود. حرکت کارگران کارخانه هپکو در استان مرکزی، تجمع‌های کارگران گروه صنعتی فولاد اهواز در استان خوزستان، و دیگر حرکت‌های کارگری در استان‌های اصفهان و بوشهر، گواه این واقعیت‌اند.

راهبرد اقتصادی رژیم ولایت‌فقیه، و منافع طبقه کارگر

کارگران و زحمتکشان کشور درحالی در سال نو مراسم روز جهانی کارگر را جشن می‌گیرند که کاهش ارزش پول ملی به معیشت و امنیت شغلی آنان صدمه‌ای جدی وارد ساخته است. پس از سقوط ارزش پول ملی و افزایش قیمت ارز، نه‌تنها با افزایش سرسام‌آور هزینه‌های تولیدی روبرو شدیم، افزایشی که بهای آن را ارزان‌تر شدن نیروی کار کشور می‌پردازد، بلکه بلافاصله تأثیر مستقیم سقوط ارزش پول ملی بر قدرت خرید خانوارهای کارگری- همراه با نابودی امنیت شغلی میلیون‌ها کارگر- را نیز شاهدیم. حتی کارگزاران رژیم و مدافعان سینه‌چاک فرمان‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز به سقوط قدرت خرید زحمتکشان بر اثر افزایش قیمت ارز و دلالی ارز و سکه اعتراف می‌کنند.

روزنامهٔ اعتماد، ۱۹ فروردین‌ماه ۹۷، در این زمینه، در مطلبی با عنوان: "تأثیر افزایش قیمت دلار بر معیشت مردم"، ازجمله نوشته بود: "افزایش در قیمت ارز از بسیاری جهات کشور را متأثر می‌کند و این حقیقت بر کسی پوشیده نیست. ... با افزایش قیمت ارز، هزینه‌های تولید و به‌تبع آن قیمت تمام‌شدهٔ کالاهای وارداتی افزایش خواهد یافت. ... از طرف دیگر تعدیل نیروی کار به‌علت افزایش هزینه‌های تولید... بر اساس مطالعات صورت‌گرفته، افزایش نوسانات قیمتی ارز، تأثیر منفی و معنی‌دار در اشتغال دارد." در بخش دیگر این مطلب تأکید شده است: "درواقع میزان افزایش قیمت‌ها بیش از افزایش سطح دستمزدها بوده است." به‌این ترتیب سال کنونی با مانور رژیم روی افزایش حداقل دستمزد به میزان ۱۹٫۸ درصد آغاز شده و سپس با افزایش قیمت ارز در میانهٔ نزاع جناح‌های حکومتی و بهره‌برداری همهٔ جناح‌های حکومتی از سوداگری ارز و سکه و دلالی، با سقوط باز هم بیشتر سطح زندگی و قدرت خرید زحمتکشان توأم بوده است. بحران ارزی و سقوط ارزش پول ملی، در خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی ریشه دارد. بستهٔ ارزی دولت نمی‌تواند راه برون‌رفت از بحران تلقی گردد. این بستهٔ ارزی اصولاً به‌شکلی تهیه شده است که در راستای تأمین منافع تولید و معیشت زحمتکشان نیست. مانورهای فریبکارانه ولی‌فقیه و دولت اعتدال روی به‌اصطلاح حل این مسئله، تنها با تشدید مبارزه و حضور هرچه گسترده‌تر زحمتکشان خنثی خواهد شد. باتوجه به محتوای بودجه کنونی و دیگر برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی دولت، سیاست آزادسازی قیمت‌ها در سال جاری ابعاد تازه‌تری پیدا خواهد کرد و این امر در زندگی زحمتکشان تأثیری مستقیم و منفی دارد و خواهد داشت. مبارزه با برنامه‌های اقتصادی رژیم- به‌ویژه خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی- همچنان در اولویت قرار داشته و مبارزه برای خواست‌هایی فوری مانند افزایش عادلانهٔ دستمزد، لغو قراردادهای موقت، احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری، و تأمین امنیت شغلی را باید به‌آن پیوند زد.

خواست‌های فوری و پیوند آن با مبارزه در راه احیای حقوق سندیکایی

پدیدهٔ دستمزد معوقه و قراردادهای موقت، دو موضوع اصلی در مبارزات کارگری سال‌های اخیر به‌ویژه سال گذشته بوده‌اند. بر کسی پوشیده نیست که پدیدهٔ دستمزد معوقه که امروز سراسر مرکزها و محیط‌های کارگری را دربر گرفته و در بحران فروبرده است، نتیجهٔ اجرای سیاست تعدیل ساختاری و تجویز نسخه‌های بیماری‌افزای نهادهای سرمایه‌داری جهانی است. خصوصی‌سازی، در خلال نزدیک به سه دهه، طبقهٔ کارگر و زحمتکشان میهن ما را از امنیت شغلی، سازمان‌یابی و دریافت دستمزد عادلانه محروم کرده و حاصل آن دستمزدهای معوقه و قراردادهای موقت‌اند. در سالی که گذشت، سندیکاهای مستقل و واقعی، بر پایهٔ ماهیت طبقاتی‌شان، در مسیر تأمین خواست‌های فوری- به‌ویژه دستمزد عادلانه، لغو قراردادهای موقت، پرداخت به‌موقع دستمزد و حل بنیادین مسئلهٔ دستمزد معوقه و بازپرداخت کامل و بی‌ابهام مزد زحمتکشان- مبارزه‌یی جدی را به‌پیش برده‌اند. حزب ما در این زمینه همواره در کنار همهٔ مبارزان راستین و صدیق جنبش سندیکایی زحمتکشان قرار داشته و همهٔ امکان‌هایش را در راه تقویت جنبش سندیکایی موجود به‌کار گرفته و خواهد گرفت. یادآوری نکته‌یی پراهمیت در این زمینه خالی از فایده نیست و آن اینکه، مبارزه برای خواست‌های فوری را با پیکار همه‌جانبه در راه احیای حقوق سندیکایی و به‌رسمیت شناختن مقاوله‌نامه‌های ۹۸ و ۸۷ سازمان جهانی کار و منشور جهانی حقوق سندیکایی (مصوبهٔ فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری) باید پیوند زد. بدون تشکل طبقاتی- سندیکایی، دستیابی به خواست‌هایی نظیر افزایش دستمزد، امضای پیمان‌های دسته‌جمعی و تأمین امنیت شغلی امکان‌پذیر نخواهند بود.

توده‌های کارگر، به‌تجربهٔ روزمره، دریافته‌اند که تشکل‌های زرد و زرد حکومتی- به‌ویژه رهبری خانهٔ کارگر، کانون عالی انجمن‌های صنفی، شوراهای اسلامی کار، مجمع نمایندگان، و جز این‌ها- نه‌تنها توانایی تأمین ابتدایی‌ترین حقوق صنفی کارگران را ندارند، بلکه سد راه مبارزه‌اند و خود بخشی از معضل‌اند. افشا و منزوی ساختن رهبری تشکل‌های زرد و زرد حکومتی از زمره مهم‌ترین وظیفه‌های پیش روی جنبش سندیکایی واقعی و موجود کشور است. باید با افشای این اشرافیت فاسد و رانت‌خوار کارگری، بدنهٔ این تشکل‌ها را به سمت مبارزهٔ واقعی و سازمان‌دهی به‌سود تأمین منافع صنفی و سیاسی طبقهٔ کارگر راهنمایی کرد.

باتوجه به بودجهٔ سال آینده و نسخه‌های اقتصادی-اجتماعی مجموعهٔ حاکمیت، زمینه‌هایی مناسب برای سازمان‌دهی مبارزات در سطح کارگاه‌ها و کارخانه‌ها وجود دارند. عرصه‌هایی مانند پرداخت به‌موقع و کامل دستمزدها، تأمین امنیت شغلی، مبارزه با خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی در شرایط حاضر از اولویت‌های مبارزاتی جنبش کارگری میهن ماست.

تحول‌های سیاسی، و نقش جنبش کارگری

تحول‌های صحنهٔ سیاسی کشور و سیر رویدادها در میهن‌مان، آمادگی جنبش کارگری برای حضور در رخدادهای سیاسی را برجسته می‌سازد. مبارزهٔ زحمتکشان، در ماه‌های اخیر، از طرح شعارهایی صرفاً صنفی و حالتی صرفاً تدافعی به سمت اختیار کردن حالتی تهاجمی درحال گذر است. بنابراین، ضروری است که جنبش کارگری و مبارزان جنبش سندیکایی زحمتکشان، با افشاندن بذر آگاهی و شرکت فعال در اعتراض‌های مردمی و سازمان‌دهی اعتصاب‌های بزرگ و کوچک، به‌منظور ارتقای سطح همبستگی- هم در بین صف‌های خود و هم بین مجموعهٔ جنبش مردمی ضد دیکتاتوری- به نقش‌آفرینی بپردازند. جنبش کارگری باید بتواند با سازمان‌یافتگی و شرکت فعال در مبارزهٔ توده‌ها با استبداد مذهبی، تاریک‌اندیشی، فقر و بی‌عدالتی، به ستون فقرات این مبارزه تبدیل شود. همبستگی و همراهی جنبش کارگری با قشرهای میانه‌حال، زحمتکشان روستا و جنبش‌های اجتماعی مانند جنبش زنان، جوانان و دانشجویان، شرط اساسی موفقیت در به‌چالش کشیدن ولایت‌فقیه و وادار کردن حکومت استبدادی به عقب‌نشینی و تن دادن به خواست توده‌هاست. با تشدید مبارزهٔ زحمتکشان و حضور فعال آنان در صحنهٔ سیاسی کشور، توطئه‌های ارتجاع و استبداد و اقدام‌های مخرب و مداخله‌جویانهٔ امپریالیسم برای تأثیرگذاری بر روندهای داخلی کشور می‌توانند خنثی شوند.

در فرایند مبارزه در میهن‌مان آنچه از اهمیت درجه اول برخوردار است اتحادعمل فراگیر و قوی کردن نقش و جایگاه جنبش کارگری در تغییروتحول‌های حساس کنونی کشور است.

نامه مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

ادامهٔ فقر فزاینده خانواده های ...

مردم، به‌دلیل عدم دریافت پاسخی قانع‌کننده، نیمه‌کاره رها شد." روزنامه اعتماد، ۲۱ فروردین‌ماه، بر اساس گزارشی از صندوق بین‌المللی پول، "میزان خروج سرمایه از ایران در سال ۹۶ را حدود ۲۷ میلیارد دلار" اعلام کرد و افزود: "برخی کارشناسان معتقدند سال ۹۶ رکورد خروج سرمایه از ایران شکسته شده است." یک هفته بعد روزنامه شرق در رابطه با عمق فاجعه، به‌نقل از محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، نوشت: "در اسفندماه سال گذشته، حدود ۳۰ میلیارد دلار از کشور خارج شده است. ... اغلب ارزهایی که از کشور خارج شده است، در قالب ارزهایی است که برای واردات به آن سوی مرزها رفته که در قبال بخشی از آنها کالایی وارد کشور نشده است." روحانی، در به‌اصطلاح انتقاد از عملکرد چهار سال قبل "نظام" و "وعده" به "تصحیح آن"، اول اردیبهشت‌ماه، گفت: "در چهار سال گذشته با گرفتاری فراوان اسکناس ارز را تهیه می‌کردیم... صبح دلارها را داخل گونی می‌ریختند و به صرافی‌ها می‌بردند، صرافی‌ها هم معلوم نبود چطور تقسیم می‌کردند و به چه کسانی دلار می‌دادند." رئیس‌کل امور مالیاتی دولت روحانی در ارتباط با همین صرافی‌ها، در برنامهٔ "متن، حاشیه"، ۱۲ بهمن‌ماه ۹۶، گفته بود: "خانواده‌ای را شناسایی کرده‌ایم که نزدیک به ۲۰ شرکت صرافی داشت." به‌عبارت‌دیگر، کارگزاران رژیم ولایت فقیه از عملکرد صرافی‌ها آگاهی کامل دارند. وحید شقاقی شهری، اقتصاددان، حتی "پیش از آغاز التهابات جدی بازار ارز" از "دلاریزه‌شدن" زندگی ایرانیان سخن گفته بود و بنا به گزارش روزنامهٔ شرق23 فروردین‌ماه، افزوده بود: "باتوجه به فاصله دو تا سه ماهه بین افزایش قیمت ارز و افزایش قیمت کالاهای اساسی، در سه ماه نخست سال ۹۷... افزایش قیمت کالاهای اساسی متناسب با افزایش نرخ دلار به حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد را تجربه [می]کنیم." علیرضا محجوب، نماینده مجلس، در رابطه با التهابات بازار ارز، در نشست خبری خود، ۳ اردیبهشت‌ماه، حتی گفت: "در آینده نزدیک قدرت خرید نیروی کار به‌شدت تنزل خواهد یافت و پیش‌بینی ما این است که این موج تورمی تا ۵۰ درصد باشد." روزنامه شرق، ۱۴ اسفندماه ۹۶، از تصمیم "شورا و شهرداری تهران" به افزایش "قیمت بلیت مترو تهران برای" سال ۹۷ "تا ۲۵ درصد" گزارش داد. مطابق گزارش خبرگزاری مهر، ۳۰ آبان‌ماه ۹۶، مهرداد تقی‌زاده، معاون حمل‌ونقل وزارت راه‌وشهرسازی "خواستار گران شدن بنزین باهدف کاهش تلفات و سوانح جاده‌ای شده بود"، اما متعاقب اعتراضات گستردهٔ توده‌ای علیه فقر و محرومیت، روز ۲۷ فروردین‌ماه ۹۷، با ترفند جلوگیری از "افزایش آلودگی هوای شهرها"، بار دیگر خواستار افزایش "قیمت سوخت" شد. محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت نیز روز اول اردیبهشت‌ماه ۹۷ اعلام کرد: "سال ۹۷ مالیات بیشتری می‌گیریم. ... اگر به‌دنبال نفت باشیم، در چارچوب اقتصاد مقاومتی عمل نکرده‌ایم." البته خود نوبخت روز ۲۰ آذرماه ۹۶ اعلام کرده بود: "افراد و بخش‌هایی [بخوان: نهادهای انگلی] که طبق قانون معاف از پرداخت مالیات هستند را موردبررسی قرار دادیم و مشخص شد که حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان از این طریق پرداخت نمی‌شود". به‌عبارت‌دیگر، افزایش مالیات در سال ۹۷ و بر اساس "اقتصاد مقاومتی" نیز فقط بر دوش زحمتکشان خواهد افتاد.

خبرگزاری ایلنا، ۲۲ فروردین‌ماه ۹۷، از "گروه‌های خیریه"ای که "مثل قارچ" سر برمی‌آوردند و از وضعیت زنان "بی‌سرپرست و بدسرپرست" سوءاستفاده می‌کنند خبر داد و افزود: "زنانی را می‌بینیم که برای روزی هشت ساعت کار در کارگاه‌های یک انجمن خیری، ماهی ۳۰۰ هزارتومان یا نهایت ۴۰۰ هزار تومان درآمد دارند." مسعود نیلی، دستیار ویژه اقتصادی روحانی و عنصر مورد اعتماد بانک جهانی، در رابطه با حذف یارانه نقدی ۴۵/۵ هزارتومانی "هدفمندی یارانه‌ها" و فاجعهٔ فقر زحمتکشان حتی برای "دهک‌های میانی"، به روزنامه اعتماد، ۱۵ اسفندماه ۹۶، گفته بود: "آنقدر این سطح درآمد در دهک‌های میانی به‌هم نزدیک است که همین ۴۵۵۰۰ تومان این گروه را حذف می‌کنید به گروه بعدی‌اش می‌دهید که الان فقیرتر است، آن از این ثروتمندتر می‌شود. یعنی جای دهک‌ها با همدیگر عوض می‌شود و به‌دنبال آن می‌تواند اختلال‌های بزرگ اجتماعی و غیره به‌وجود آید." رژیم ولایت فقیه در مقابل افزایش صرفاً ۱۹/۵ درصدی حداقل مزد چهار بار زیر خط فقر کارگران، علاوه بر کاهش ویرانگر ارزش پول ملی، تحمیل دیگر هزینه‌های کمرشکن به زحمتکشان را در نظر دارد. با اجرای سیاست‌های اقتصادی دیکته‌شده از سوی نهادهای امپریالیستی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی جهت آزادسازی اقتصاد و ارزان‌سازی نیروی کار در سه دههٔ اخیر، رژیم ولایی فاجعهٔ کنونی فقر زحمتکشان را به‌وجود آورده است. تنها راه دستیابی زحمتکشان به مزدی شرافتمندانه و امنیت شغلی، مبارزهٔ سازمان یافتهٔ کارگران در اتحاد با دیگر گردان‌های جنبش خلق بر ضد سیاست‌های اقتصادی رژیم است

ادامهٔ ارزن سازی نیروی کار ...

گزارش داد. راغفر، متخصص "فقر و شکاف درآمدی"، به روزنامهٔ شرق، ۲۷ فروردین‌ماه، گفت: "خط فقر در مناطق شهری چهار میلیون تومان است." در یک‌چنین شرایطی، رهبران تشکل‌های زرد حکومتی در اواخر سال ۹۵، با کاهش میانگین تعداد نفرات خانوار از ۴ نفر به ۳/۵ نفر، با مبلغ ۲ میلیون و ۴۸۹ هزار تومان به‌عنوان "حداقل هزینه معیشت ماهیانه خانوار توافق کردند"، اما درنهایت، رژیم ولایت فقیه با همراهی این به‌اصطلاح نمایندگان کارگری، مبلغ ۹۳۰ هزار تومان را به‌عنوان حداقل مزد ماهیانه به طبقهٔ کارگر کشورمان تحمیل کرد. در ادامهٔ همین پویه، در اواخر سال ۹۶ نیز با کاهش میانگین تعداد خانوار از ۳/۵ نفر به ۳/۳ نفر و همراهی رهبران تشکل‌های زرد حکومتی، مبلغ "۲ میلیون و ۶۹۸ هزار و ۸۰۰ تومان" به‌عنوان "هزینه سبد معیشت یک خانوار ۳/۳" نفره تأیید گردید؛ اما در نهایت، مبلغ "یک‌میلیون و ۱۱۵ هزار تومان" به‌عنوان حداقل دستمزد سال ۹۷ کارگران در شورای‌عالی کار به‌تصویب رسید. پیش از اعلام مبلغ حداقل دستمزد ۹۷، یکی از رهبران تشکل‌های حکومتی و عضو شورای‌عالی کار، ۲۶ اسفندماه، گفته بود: "منظور ما... قطعاً این نخواهد بود که حداقل مزد سال ۹۷ باید برابر با هزینه ۲ میلیون و ۶۷۰ هزارتومانی هزینه ۹۶ باشد... وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی... درخواست کرد تا در [مواضع] خود نرمش داشته باشیم."

در مقطع‌زمانی اعلام حداقل دستمزد سال ۹۷ کارگران، درصد افزایش دستمزد به‌اصطلاح برای "سایر سطوح دستمزدی"، تعیین نشده بود. همان عضو هیئت‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار و عضو شورای‌عالی کار به ایلنا، ۹ فروردین‌ماه، گفت: "پیشنهاد گروه کارگری [بخوان: تشکل‌های زرد حکومتی] دربارهٔ درصد افزایش مزد سایر سطوح ۱۲ درصد به اضافه روزانه ۲۴۱۸ تومان بود." وزیر کار ربیعی دربارهٔ "میزان افزایش سایر سطوح مزدی"- یعنی دستمزد "حدود ۷۰ درصد از مزدبگیران"- از افزایش "پایهٔ حقوق آنها ۱۰/۴ درصد نسبت به سال ۹۶ به‌اضافهٔ روزانه ۲۸ هزار و ۲۰۸ ریال" خبر داد [خبرگزاری مهر، ۲۲ فروردین‌ماه]. چهار روز پیش از آن، عضو هیئت‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار دربارهٔ به‌اصطلاح "سایر سطوح مزدی" به ایلنا گفته بود: "شخص ربیعی نظرش نزدیک به آخرین نظر ما بود." این آزادسازی مزد کارگران عملاً با "پیشنهاد" رهبران تشکل‌های زرد حکومتی انجام گرفت. فرشاد اسماعیلی، پژوهشگر حقوق کار و تأمین اجتماعی، در این مورد به ایلنا، ۱۹ فروردین‌ماه، گفت: "اگر قرار باشد در سایر سطوح دستمزدی دو معیار 'تورم' و 'سبد معیشت' رعایت نشود دیگر چه نیازی به قانون کار است. ... اگر ملاک‌ها را کنار بگذاریم یعنی قدم برداشته‌ایم به سوی دورهٔ بردگی و استثمار کارگر و در شرایط آزاد تعیین دستمزد."

مبارزه مشترک همه کارگران و زحمتکشان و تشکل های مستقل کارگری بر ضد سیاست های کارگر ستیزانه رژیم و دولت روحانی تنها راه وادار کردن حاکمیت به تن دادن به خواست های برحق کارگران است.

ادامهٔ در شرکت آموزن چه می گذرد؟ ...

تقریباً ۱ یورو بیشتر از این دریافت می‌کنند. این افزایش دستمزد مدیون اعتصاب کنندگان است و بر کیفیت زندگی کارگران تأثیری قاطع دارد.

عصر ما: نظر شما دربارهٔ ادامه این روند چیست؟

آرنو: تعدادی از فعالان کارگری معتقدند که باید به اعتراض‌ها تا رسیدن به خواست‌های بر حق ادامه داد و می‌گویند اگر غیرازاین می‌بود اصولاً نباید اعتراض را آغاز می‌کردیم. من فکر می‌کنم که آنان در تصمیم‌شان کاملاً ایستاده‌اند و به‌اعتصاب ادامه خواهند داد. این امری اصولی است و اعتماد و اعتبارشان را بالا خواهد برد. نباید فراموش کرد که جبهه مخالف هم از خود مقاومت بسیار و سخت‌جانی نشان می‌دهد. من خودم شخصاً هیچ‌گونه نرمش یا همکاری از طرف مدیران آمازون که ادعا می‌کنند ما همه اعضای یک خانواده هستیم، مشاهده نکرده‌ام. من زمانی که با یکی از همکارانم که در اعتصاب شرکت کرده بود صحبت کردم و نظرش را جویا شدم معتقد بود که تا رسیدن به خواست‌هایمان باید به‌اعتصاب ادامه داد. اغلب کارگرانی که به‌اعتصاب ادامه می‌دهند، کارگرانی هستند که به مدت ۵ تا ۷ سال با یکدیگر کار می‌کنند و همکارند و از شرایط حاکم بر شرکت کاملاً با اطلاع‌اند. این فعالان شاید ۲۰۰ تا ۴۰۰ نفر باشند، دقیق نمی‌دانم، زیرا رقم‌هایی متفاوت وجود دارند و تنها مطلبی را که در آنتها می‌خواهم بگویم این است که این فعالان واقعاً کارگران شجاعی هستند که با مبارزه‌شان تأثیر بسزایی بر دیگر کارگران می‌گذارند که واقعاً چشمگیر و قابل‌تحسین است.

برگرفته از سایت حزب کمونیست آلمان، عصر ما

انحصارهای فراملی، و نقض حقوق سندیکایی زحمتکشان
در شرکت آمازون چه می‌گذرد؟

مرکز لجستیکی آمازون از سال ۲۰۰۶ در شهر لایپزیک [واقع در شرق آلمان] قرار دارد و وسعت انبار کالاهایش در حدود ۷۵۰۰۰ مترمربع است.
اعتراض کارگران شاغل در این شرکت، یعنی یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های جهان که سفارش و فروش محصولاتش را از طریق شبکه اینترنت انجام می‌دهد، بر سر موضوع مهم تعیین دستمزدها و تنظیم قراردادهای کاری عادلانه است. هدف رئیس این شرکت، آقای جف بزوس که فردی بسیار ثروتمند در دنیا به‌شمار می‌آید، جلوگیری از ایجاد سندیکا و ممانعت از عضویت کارگران این شرکت در سندیکا است.
مبارزه زحمتکشان این شرکت و اتحادیه کارگران بخش خدمات در آلمان به‌نام "وردی" در برابر کارفرمای آمازون سال‌ها است که ادامه دارد. برای آگاهی بیشتر از این رویارویی، ما بخش هایی از مصاحبه بولتن خبری "عصر ما" را با آرنو هافکه، عضو حزب کمونیست آلمان و از کارگران بخش ارسال کالا در شهر لایپزیک، در زیر نقل می کنیم. نام مصاحبه شونده به‌دلایلی تغییر داده شده است.

عصر ما: شما در سال گذشته به‌عنوان کارگر فصلی در این شرکت کار می‌کردید، درست است؟
آرنو: بله درست است، از آغاز ماه اکتبر تا پایان دسامبر، یعنی در ایام خریدهای عید کریسمس و با قرارداد موقت.

عصر ما: چرا این کار را با این نوع قرارداد پذیرفتید؟
آرنو: با پذیرش این کار توانستم درخواست کتبی‌ام را برای دریافت حقوق بیکاری حداقل سه ماه به‌تعویق بیندازم.

عصر ما: چه تعداد کارگر در این شرکت مشغول به‌کار هستند؟
آرنو: دقیق نمی‌دانم، ولی زمانی که آنجا کار می‌کردم شنیدم حدود ۲۰۰۰ کارگر دائمی و همین تعداد نیز کارگر فصلی در آنجا مشغول به کارند.

عصر ما: نظر شما راجع به شرایط کاری در این شرکت چیست؟
آرنو: واقعیت این است که با کارگران فصلی رفتاری مشخص دارند و دلیلش هم واضح است. زیرا ما در اساس به‌عنوان کارگران ذخیره محسوب می‌شدیم و برای زمانی که میزان سفارش‌ها بالا است استخدام شدیم. ولی باید به این نکته هم اشاره‌ای داشته باشم که در ماه ژانویه وضعیت کارگران دائمی هم تغییر کرد و فشار کاری بر آنان افزایش پیدا کرد، زمان تنفس کاهش یافت و اضطراب کاری بیشتر شد. ولی ازآنجاکه کارگران می‌دانستند این وضعیت موقتی است با آن کنار می‌آمدند و اعتراض نمی‌کردند. ما کارگران فصلی هم اگر می‌خواستیم به این شرایط اعتراض کنیم، ما را به‌سرعت به بخشی دیگر منتقل می‌کردند. به ما قبولانده بودند که به‌موقع سر کار حاضر شویم، اعتراضی نکنیم و کاملاً سربه‌زیر کارمان را انجام بدهیم.

عصر ما: منظور شما از سربه‌زیر بودن چیست؟

آرنو: اعتراض نکردن. اعتراض کردن را اصلاً نمی‌پذیرند. باید خود را راضی نشان داد و به‌پسند آنان رفتار کرد. اگر چنین باشید، آن وقت راحت‌تان می‌گذارند.

عصر ما: آیا کارگران از سال ۲۰۰۹ نمایندهٔ صنفی دارند؟
آرنو: بله، این را می‌دانستم ولی من هیچ تماسی با نماینده کارگران نگرفتم. زیرا کارفرما و عوامل او به‌سرعت متوجه این موضوع می‌شدند. هرچند که آنان فوراً از همه‌چیز اطلاع پیدا می‌کنند، ولی به‌خاطر استخدام شدن به‌ناچار از عضویت در سندیکا استعفا دادم.

عصر ما: در مورد اعتصاب کارگران خبری می‌شنیدید؟
آرنو: بله، ولی در حاشیه. اگر اعتصابی هم در پی باشد کارفرما سعی می‌کند هر چه سریع‌تر سفارش‌های مشتریان را از مرکزهایی دیگر انجام دهد و باید بگویم که در این زمینه موفق هم بوده است. ما کارگران فصلی نیروی ذخیره‌ای هستیم که به‌دلیل اعتصاب مقداری از کارمان کم می‌شود ولی بعد از چند ساعت دوباره همه‌چیز عادی می‌شود و روال معمول کار ادامه پیدا می‌کند. اعتصابی که بدون برنامه‌ریزی قبلی اعلام شود به نتیجه موردنظر خود نخواهد رسید. کارفرما تلاش می‌کند با تعریف و تمجیدهای دروغین کارگران را به سمت خود جذب کند و در این میان از اعتصاب و کارگرانی که قصد اعتصاب کردن را دارند صحبتی به‌میان نمی‌آورد. کارفرما رضایت خاطرش را نسبت به کارگرانی که سر کار حاضر شده‌اند اعلام می‌دارد و به آنان می‌گوید که ما مانند یک خانواده هستیم و مجتمع ما شباهت به یک جهان کامل و بی‌عیب و نقص دارد و بعضی‌ها از این بابت احساس شکست می‌کنند.

عصر ما: آیا کارگران فصلی هم در اعتصاب شرکت کردند؟
آرنو: احتمالاً چندنفری شرکت کردند اما نه چندان زیاد. آن‌هایی که دیگر نمی‌خواستند در فصل آینده سر کار بیایند در اعتصاب شرکت کردند. تعدادی هم هستند که تا آخرین لحظه کاری و قراردادشان بدون هیچ‌گونه اعتراضی یا واکنشی نسبت به اعتصاب به کارشان ادامه می‌دهند. اعلامیه‌هایی از طرف اتحادیهٔ بخش خدمات [وردی] در بین کارگران پخش گردید و در آن از کارگران درخواست شد که در اعتصاب شرکت کنند ولی خیلی‌ها نیامدند.

عصر ما: به‌نظر شما یک اعتصاب چقدر می‌تواند تأثیرگذار باشد؟
آرنو: در بین کارگران این شایعه وجود دارد که مدیریت آمازون از اعتصاب کارگران خوشحال هم خواهد شد. به‌این دلیل که از این فرصت سوءاستفاده کرده و به تعداد کمتری دستمزد پرداخت می‌کند. همچنین نظرات گوناگونی در رابطه با اعتصاب کردن وجود دارد که کاملاً با همدیگر متفاوت‌اند و از ترس لو رفتن به‌صورت راز و رمز در بین کارگران از آن‌ها صحبت می‌شود. ولی نکته بسیار قابل توجهی که در این شرکت وجود دارد این است که بدون اعتصاب دستیابی به افزایش سالانه دستمزدها غیرممکن بود و تحقق نمی‌یافت. در سال ۲۰۱۰ دستمزدها ساعتی ۷ یورو بود و درحال‌حاضر برای کارگران فصلی ساعتی ده و نیم یورو تعیین شده است. کارگران دائمی

ادامه در صفحه ۳

30 April 2018

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
004930
23629727

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
آدرس های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس های اینترنت و "ای-میل"
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمهٔ کارگری نامهٔ مردم – شمارهٔ ۶
Nameh Mardom –Workers Supplement No. 6